

نگاهی اجمالی بر احوال و آثار عارف ربّانی
علامه سید قطب الدین محمد حسینی نیریزی
اثر: دکتر محمد علی ابوالحسنی
عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان
(از ص ۲۴۵ تا ۲۶۰)

چکیده:

سید قطب الدین محمد حسینی نیریزی از حکما و عرفای نامدار و برجسته دوره صفوی است که در سال یکهزار و صد هجری قمری، در شهرستان نیریز از توابع استان فارس دیده به جهان گشود. وی نخست در مسقط الرأس خویش به تحصیل پرداخت سپس به شیراز رفت و از اساتید بزرگ و برجسته ای همچون مولی شاه محمد دارابی کسب فیض نمود، و در زمینه های مختلف دینی و خصوصا "عرفان اسلامی"، آثار ارزشمندی از خویش به جای گذاشت، که خداوند عزوجل به حقیر توفیق عنایت فرمود تا بااستعانت از ذات عالم مطلق به شرح و تعلیق یکی از آثار ارزشمند ادبی ایشان یعنی: القصیده العلویه النحویه بپردازم.

در این مقاله سعی بر آن است که سیری گذرا بر احوال و آثار علامه سید قطب الدین داشته باشیم.

واژه های کلیدی: نیریزی، شرح احوال، عارف، آثار.

مقدمه:

حمیت و روح اهورایی، یک مرده ریگ باستان است که در نهانخانه وجود هر ایرانی به ودیعه نهاده شده است. اگر چه افت و خیز و جزر و مدهای سیاسی، اجتماعی و دینی، گاه گاهی این فضیلت و درّ ثمین را مورد هجومه قرار داده و ناجوانمردانه در طرد و انکار آن کوشیده است، ولی این طرفه معجون متکی به یک خرد باستانی است که از سرچشمه های زلال ابر مرد تاریخ یعنی صاحب «لولاک لما خلقت الافلاک» سیراب شده و آنگاه در سایه سار ولایت خاک نشینانی چند آرمیده است.

با یک بررسی اجمالی در تاریخ ایران به این نکته برخورد می کنیم که هر چه این ملت بیشتر مورد تهاجم ظلم و بیداد، ریب و ریا، عصبیت های قومی و مذهبی و در نهایت سلطه ناخوانده میهمانان قرار می گیرد، درّهای نهفته این قلزم زخار بیشتر نمایان می شود. در زمانی که عصبیت های قومی و مذهبی و سلطه نامردمان بر این مرز و بوم چیره می شود و به ظاهر با شمشیر «سیف الاسلامی» هویت این ملت را در هم می نوردد بزرگترین حماسه جهانی؛ یعنی شاهنامه سترگ مردی به جهان ادب عرضه می شود و زمانی که حمله های بی امان مغول و جنگ های صلیبی ایران را حمام خون می کند، حماسه عرفانی چون مثنوی مولوی متولد می گردد و عرفان محیی الدین جهان اسلام را به حیرت فرو می برد و نجم الدین دایه ها با همه کوله بار غم و فقدان عزیزان، مرصدها را به عرفان اسلامی تقدیم می کنند و فردای تاریخ با همه ریب و ریا و بی لیاقتی و ظاهر پرستی و درد بی دینی، یعنی زمان شاه سلطان حسن صفوی که اجدادی در ظاهر مروج شرع مقدس اسلام و بسط دهنده طریقت سلاک هستند و خود از آن بی خبر، بزرگ مردی چون قطب الدین نیریزی قد علم می کند و به ناباوران تاریخ و سیاست و دین فروش ارتزاق کننده از دین می قبولاند که عرفان و اشراق ایرانی ریشه در اسلام دارد و صوفی گری های

شاه اسماعیل های به اصطلاح «مرشد اعظم» و دهن کجی های شاه سلطان حسین به عرفان و تصوف و قلدری و نارسمی های قزلباشان صوفی نما نمی تواند کاروان عشق و عرفان و تصوف واقعی را از راه باز دارد و جویبار علم و اندیشه، ذوق و عرفان و اشراق با همه پستی و بلندی های ناهموار بستر تاریخ، به راه خود ادامه می دهد و بت عیار دیگری چون سید قطب الدین محمد حسینی نیریزی پا به عرصه وجود می گذارد. قطب الدین محمد در وهله اول یک شیخ شریعت است که با همه وجودش به شریعت علوی محمدی عشق می ورزد و علوم صوری و معقول و منقول زمان را در حد کمال فرا گرفته است و در طریق سیر و سلوک الی الله جز اکمل العارفین است که با دم و همت خویش تشنگان وادی معرفت و فقر و فنا را سیراب می کند.

آنچه مسلم است این بزرگ مرد علم و عرفان در بعد شخصیتی از حب مریدانه مریدان در امان نمانده؛ همانگونه که مغرضین تصوف و عرفان هم به دلیل عدم شناخت و احیانا "تنگ نظری های جاهلان نسبت به عرفان و تصوف چندان عنایتی به این سترگ مرد و همگنان وی نکرده اند. اما آثار مکتوب بازمانده از وی گویای تبحر قطب الدین در علوم صوری و مدرسی است. قصیده نحویه وی موسوم به «القصیده العلویه النحویه» دال بر این ادعاست که در متن رساله به طور جامع، مخصوصاً در مباحث کتاب شناسی و دیباچه و شرح حال، برجستگی این مرد علم و عرفان به تصویر کشیده شده است. همه جستجو و کندوکاو این نگارنده بر آن بوده که با عنوان یا انگیزه شرح قصیده نحویه، قطب الدین را به طالبان این علم معرفی نمایم و یاد آور شوم که اگر کتب و منابع مدرسی و دانشگاهی امروز نسبت به کتب متقدمین از یک نظم و انسجام اصولی تر برخوردار است و طالب علم به مراتب بیشتر بهره می گیرد؛ ولی کتب متقدمین منابع اولیه این علوم است و بسط و گسترش فرهنگ و بالاخص علوم انسانی در گروه شناخت متون قدیم است.

مخصوصاً" در مورد علم نحو منبع ما کتب متقدمین می باشد؛ زیرا علم صرف و نحو چندان تابع تغییر و تطور زبانی نیست. لذا نگارنده بر این عقیده و باور است که در مورد این علم، پلی به گذشته بزنیم و طالبان علم را به سرچشمه های این علم رهنمون سازیم.

اصل مقاله :

«نام و سلسله نسب سید»

تمام مورخین نام وی را «محمد» و لقب او را «قطب الدین» نگاشته اند (خاوری، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۹۸). نسب شریف سید با ۲۶ واسطه از سادات بزرگان دین به حضرت ملجأ العابدین و سید الساجدین مولی الكونین امام همام علی بن الحسین صلوات الله و سلامه علیه می رسد (خواجهی، ص ۵، پرویزی، تذکره، ص ۳). درباره سلسله نسب سید قطب الدین اقوال مختلفی وجود دارد که در اینجا با توجه به آنچه که مؤلف اصول تصوف از روی خط وی به نقل از کتاب «انهار جاریه» حاج میرزا احمد وحید الاولیاء قدس سره آورده، ذیلاً نقل می شود:

«نسب الفقیر الی الله الغنی محمد الحسینی المشهور بقطب الدین بن ابی طالب بن عزالدین بن یوسف بن قطب الدین حیدر بن شهاب الدین احمد بن قطب الدین حیدر بن السید السند شهاب المله و الدین احمد «ببقعه فی قصبه نیریز» بن السید الجلیل الفاضل النبیل جلال الدین عبد الله «مزاره فی نیریز» بن السید الافضل الامجد قطب الدین محمد «مزاره فی مصلی شیراز» بن السید العارف منبع المعانی والمعارف جلال الحق والدین عبد الله الفسیر جانی (مزاره خلف ابنه) بن السید العالی المقام قدوه الافاضل العظام قطب الدین محمد (مزاره فی قریه فسیرجان من ایج) بن السید الکبیر عبد الله المکرانی (مزاره فی ده گوشه من ایج) بن السید الهادی بن السید محمد بن السید حسن بن السید ابی الفتوح بن السید حسان بن

السید حسن بن السید معتوق بن السید ادريس بن السید حسن بن السید عبد الله بن السید عيسى بن السید احمد العقیقی بن السید عيسى بن السید حسین الاصغر بن الامام زين العابدين بن الامام حسین بن علی بن ابی طالب سلام الله عليهم اجمعين فی ادوار الليل و النهار» (اسنخري، ۱۳۳۸، ص ۴۲۳).

با توجه به سلسله نسب فوق‌الذکر، نسب وی از سوی پدر با ۲۸ واسطه به امام علی بن ابی طالب (ع) می‌رسد. بنابراین سید قطب الدین از جانب پدر از سادات حسینی و از سوی مادر هم موسوی نسب بوده چون از جهت مادر به حضرت امام موسی بن جعفر (ع) می‌پیوندد.

محل و سال تولد سید قطب الدین

تمام مؤلفین محل تولد وی را نیز ذکر نموده اند، تاریخ دقیق تولد ایشان در هیچکدام از تذکره‌ها ذکر نشده است، اما به استناد مقدمه «قصیده عشقیه» ایشان می‌توان دریافت که به طور تقریب حدود سال ۱۱۰۰ هجری قمری اتفاق افتاده باشد؛ زیرا سید قطب الدین پس از حمد خداوند و درود بر خاندان عترت در مقدمه «قصیده عشقیه» چنین بیان نموده است. (اسنخري، ۱۳۳۸، ص ۴۲۵؛ خاوری، ج ۱، ص ۳۰۰ و ۲۹۹؛ خواجری، ص ۷):

«... اما بعد لقد سمعت فی ریعان الشباب منذ قرن غزلاً من منظومات العارف الربانی، و العالم الصمدانی، جامع المعارف و الاسرار، الشیخ الجلیل فریدالدین المشهور بالعطار قدس الله روحه فی ارواح العرفاء الکبار و طاب ثراه برحمه الملك المقتدر الغفار فهنا لك طار روحی بسماع تلك الابیات الى عوالم قدس حضره القدوس فقلت معانیها بالعربی المأنوس ثم انشدت بعد سنين بمقتضى المقام و الحال على اوزان تلك الابیات التي قلتها بالاجمال هذه المنظومه تفصيلاً لبيان اطوار حقیقه العشق فی قلوب أفاضل الرجال، بل فی كل العوالم بانوار الجمال و الجلال، و

سميتها بالقصيده العشقيه، بلغ الله المتدبرين فيها الى المقامات السنيه العليه، ولقد
أومات لدى تعبير العبارات من حيث شئون العشق بعشر اشارات
تا آنجا که می گوید:

«وكان انشادها في سنة الف و مائه و خمسه و اربعين (۱۱۴۵)».

چنانچه ملاحظه می شود ابیات «قصیده عشقیه» را به دنبال ترجمه منظوم غزل
معروف شیخ عطار آورده به مطلع:

ز سگان کویت ای جان که دهد مرانشانی؟ که ندیدم از تو بوئی و گذشت زندگانی
(عطار نیشابوری، ۱۳۳۹، غزل شماره ۷۵۷)

با توجه به مقدمه «قصیده عشقیه» سید قطب الدین معلوم می شود وی قصیده
را در سال ۱۱۴۵ انشاد نموده و ترجمه غزل عطار را نزدیک به یک قرن پیش از آن
یعنی سی سال قبل که سال ۱۱۱۵ می شود سروده و در سال اخیر وی در ربیعان
شباب بوده است.

ربیعان از نظر لغوی به معنی اول هر چیزی می باشد (ابن منظور، ۱۴۰۵، ماده ربیع) و شباب
از سن بلوغ (پانزده سالگی) تا سی سالگی است و انتهای آن سی سالگی است و
ربیعان آن هم اول آن است پس ربیعان شباب پانزده سالگی می شود؛ بنابراین سید
قطب الدین در هنگام ترجمه غزل عطار به عربی به سال ۱۱۱۵ هجری پانزده ساله
بوده است، همچنین در منظومه علویه نحویه قسمت «اسماء تنصب النکرات علی
التمییز» در مثالهای آن گوید:

اقول قد مضت ثلاثون سنه من عمرنا و ما انتبها من سنه
(قطب الدین نیریزی، القصیده العلویه النحویه، بیت ۱۹۲)

و نیز در تاریخ نظم این منظومه می گوید:

ناظمه خادم علم الدین محمد یدعی به قطب الدین

فی سنه المائه و الثلاثین و الالف فی عام ورود قزوین

(پیشین، ابیات ۳۱۵ و ۳۱۴)

یعنی ناظم این منظومه قطب الدین محمد است که در سال ۱۱۳۰ یعنی سالی که وارد شهر قزوین شد آن را به رشته نظم درآورد؛ بنابراین، سال تولد وی در آغاز قرن دوازدهم یعنی در سال ۱۱۰۰ هجری است.

از دوران کودکی سید قطب الدین اطلاع دقیقی در دست نیست. آقای دکتر خاوری در این باره مطالبی دارد که مضمون آن چنین است: وی تحصیلات مقدماتی و عالی علوم را در زادگاه خویش آموخت و برای تکمیل سطوح و تحصیل ادبیات عرب، فقه و حدیث و کلام و حکمت به دارالعلم شیراز و اصفهان عزیمت نمود و در خدمت هفت تن از دانشمندان زمان از جمله مولی «شاه محمد دارابی» صاحب رساله «معراج الکمال» و... به کسب کمالات پرداخت.

اساتید سید قطب الدین

سید قطب الدین نام اساتید خود را در مقدمه دوم کتاب فصل الخطاب با تجلیل فراوان و نعوت شایسته مقام علمی هر یک با نثر عربی شیوایی بیان نموده که ذیلاً به ذکر آنها می پردازیم:

۱- مولی شاه محمد دارابی، صاحب رساله معراج الکمال (الطهرانی آغا بررگ، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۳۳۰)، که دارای تألیفات زیادی بوده، از جمله تألیفات دیگر وی «روضه العارفین فی شرح الصحیفه السجادیه» می باشد.

۲- محمد علی شیرازی سکاکی (پیشین، ص ۵۳۳)

۳- محمد صادق اردستانی (پیشین، ص ۳۵۹)، مؤلف حکمت صادقیه، سید قطب الدین مدت ۷ سال در اصفهان از محضر وی کسب فیض می نموده است. وفات او به سال ۱۱۳۴ هجری و مقبره اش در تخت فولاد اصفهان است.

۴- شیخ آقا خلیل، از علمای اصفهان بوده است، این دانشمند جد حاج علی اکبر نواب متخلص به «بسمل» و مؤلف «تذکره دلگشا» می باشد (پیشین، ص ۵۹۹، خاوری، ج ۱، ص ۳۰۱).

۵- میرابراهیم قزوینی، مؤلف «تحصیل الاطمینان فی شرح زبده البیان» از نعت ناظم «فصل الخطاب» چنین استنباط می شود که وی مردی زاهد و پارسا و در ردیف علمای ظاهر و مؤلف «ضوابط الاصول» بوده است. (خاوری، ج ۱، ص ۳۰۲).

۶- میر محمد تقی خراسانی (الطهرانی آغابزرگ، ج ۶، ص ۵۹۹).

۷- آقا سید هاشم، که در سال ۱۱۲۹ در مسجد کوفه با سید قطب الدین ملاقات نموده است. (پیشین، خاوری، ج ۱، ص ۳۰۲).

شایان ذکر است که شیخ علینقی اصطهباناتی (م - ۱۱۲۶) از عرفای الهی، استاد معنوی ایشان بوده که وی مراتب سیر و سلوک را نزد او به اتمام رسانیده است.

شاگردان و تربیت یافتگان سید قطب الدین

به تعدادی از شاگردان و تربیت یافتگان این عارف ربانی اشاره شده است. اما مهمترین آنان که هر یک خود کاملان مکمل بوده عبارتند از:

۱- سید مهدی طباطبائی مشهور به «بحرالعلوم».

۲- آخوند محمد هاشم درویش شیرازی (خراجری، ص ۳۶)، وصی معنوی و خلیفه سید. (قطب سی و سوم سلسله ذهبیه).

۳- آخوند مولانا محراب گیلانی (شیرازی، محمد معصوم، ۱۳۴۵، ج ۳، ص ۲۱۷؛ دیران بیگی شیرازی، ج ۲، ص ۱۴۳۲، هدایت، ص ۴۶۵، اسنخری، ص ۴۶۰، خاوری، ج ۱، ص ۳۲۵؛ خواجه جری، ص ۳۶) شیخ و نماینده سید قطب الدین در اصفهان و عراق بوده است وی از اساتید حاج محمد جعفر کبودر آهنگی همدانی معروف به «مجدوب علیشاه» از مشایخ و اقطاب نعمت الهی بوده است.

- ۴- آقا محمد بید آبادی (شیرازی، محمد معصوم، ج ۳، ص ۱۱۵؛ استخری، ص ۴۶۰؛ خاوری، ج ۱، ص ۳۲۵؛ خواجه‌ری، ص ۳۶)، عالم و عارف مشهور اواخر قرن دوازدهم هجری.
- ۵- محمد باقر عبدالصالح شیرازی، استاد معنوی حکیم آخوند ملا علی نوری.
- ۶- شیخ احمد احسائی
- ۷- آقا شیخ جعفر مجتهد نجفی، مؤلف «غاب نجم هدی»
- ۸- میر محمد علی کاشانی اصم.
- ۹- شیخ محمد احسائی استاد شیخ احمد احسائی.
- ۱۰- ملا محمد واعظ بیات لیب، از مرتاضین معروف.
- ۱۱- سید علی فرزند رشید سید قطب الدین.
- ۱۲- لطفعلی خان خراسانی.
- ۱۳- سید محمد نجفی.
- ۱۴- تقی خان، حاکم فارس.

علاوه بر این مشایخ و مریدان معروف، نام افراد زیادی از مریدان و تربیت یافتگان درجه دوم و سوم وی بر شمرده شده که از ذکر آنها خودداری می‌نمائیم.

بیان آثار ادبی سید قطب الدین

آثار ادبی سید قطب الدین به دو دسته تقسیم می‌شود. یک دسته از آن مربوط به قبل از تشریف وی به فقر بوده و به استناد گفته دکتر «اسدالله خاوری» همگی از بین رفته است.

هر آن تصنیف پیش از معرفت داشت بشست و در میان خلق نگذاشت

(خاوری، ج ۱، صص ۵۵۶ و ۳۲۳)

دسته دوم از تألیفات وی مربوط به دوران تصوف و مراحل کمال وی می‌باشد که با توجه به قول صبیبه ایشان، در کتاب نفیس (جامع الکلیات) چهارده تألیف

است به شرح ذیل:

۱- کتاب **فصل الخطاب** (الطهرانی، آغابزرگ، ج ۶، ص ۶۰۰) مسمی به حمه الارفین و الحکمه العلویه: در نباحت توحید (الطهرانی، آغا بزرگ، الذریعه، ۱۳۸۷، ج ۲۶، ص ۲۷۹) و به نام الحکمه الموهبیه یا الحکمه الاحمدیه یا الحکمه النبویه نیز خوانده شده است (الطهرانی، آغابزرگ، طبقات اعلام الشیعه، ج ۶، ص ۵۹۹).

این کتاب شامل یک مقدمه و سیزده تحمید و یک خاتمه است. در هر تحمید بابی از مسائل کلیه الهیه را تشریح و تعریف کرده است، تمام این تحمیدات عربی منظوم و به صورت یک قصیده تائیه است که به اقتضای قصیده تائیه ابن فارض سروده شده است. اثر مذکور در سال ۱۳۳۴ ق در تهران به صورت چاپ سنگی به طبع رسیده است.

مرحوم امین الشرع خوئی شرحی به نام «میزان الصواب» در تبریز بر این کتاب نگاشته است.

۲- **کنز الحکمه** (طبقات اعلام الشیعه، ج ۶، ص ۶۰۰؛ الذریعه، ج ۱۸، ص ۱۵۲؛ مفید «داور»، ۱۳۷۱، ص ۵۰۷؛ هدایت، ص ۴۶۵؛ دیران بیگی شیرازی، ج ۲، ص ۱۴۳۲؛ شیرازی، محمد معصوم، ج ۳، ص ۲۱۸): که از صفحه ۵۲۳ فصل الخطاب مطبوع شروع می شود و شامل هفت مقدمه و هیجده بصائر است که توضیح و تشریح مسئله وحدت وجود، و کیفیت اطوار هفت گانه قلب، که به «اطوار سبعة قلبیه» معروف است، و شرح عروج سالک به مدارج انسانی، و بیان حال علما سوء و کیفیت حمله افغانه به ایران، و انقراض سلسله صفویه، و اشاره به رؤوس مطالب معرفت و عرفان با ایراد دایره مهر نبوت که شامل مسائل مبدأ و معاد، و تجلی اول و تجلی ثانی الهیه، و نصایح مشفقانه است که همچنان منظوم و تائیه عربیه است (خواجه، ص ۲۲).

این اثر در ضمن فصل الخطاب در سال ۱۳۳۴ در تهران به صورت چاپ سنگی به طبع رسیده است.

۳- شمس الحکمه (الذریعه، ج ۴، ص ۲۲۲) این اثر به صورت «قصیده لامیه» است در نود و شش بیت به زبان عربی، که شامل تحقیق در بیان قرآن و فرقان و بطلان حکمت فلاسفه مادی، وثبوت وجود حقیقی، و حقیقت وجود ازلی است و این تألیف همانند «کنز الحکمه» در ضمن «شرح فصل الخطاب» در سال ۱۳۳۴ ق در سلماس به چاپ رسیده است.

۴- انوار الولاية (پیشین، ج ۹، ص ۲۹؛ و نیز منابع مورد ۲ (کنز الحکمه)؛ نسخه خطی آن به شماره ۱۲۷۸ در کتابخانه ملی ملک نگهداری می‌شود): مسمی به «مصباح الولاية» که به صورت قصیده «همزه‌ایه» است و قریب پنج هزار و دویست بیت در شرح حدیث عمران صابی که برخی از ارادتمندان وی از ایشان سؤال کرده اند.

۵- قصیده عشقیه: (الذریعه، ج ۱۷، ص ۱۱۹؛ طبقات اعلام الشیعه، ج ۶، ص ۶۰۰؛ مفید «داور» ص ۵۰۷؛ هدایت، ص ۴۶۵؛ دیوان بیگی شیرازی، ج ۲ ص ۱۴۳۲؛ شیرازی محمد معصوم، ج ۳، ص ۲۱۸؛ استخری، ص ۴۴۹؛ سازگار، ص ۵۲) که در بیان اطوار حقیقت عشق در قلوب مردان الهی است و این قصیده شامل چهارصد بیت است و در ده اشاره تنظیم یافته پیرامون حقیقت عشق و حقیقت وجود عالم و ایجاد بنی آدم و خلافت الهیه ائمه اطهار (ع) و مدارج کمال انسانی و این که علم و عمل مدارج عشق است.

این قصیده به صورت چاپ سنگی در سال ۱۳۲۶ ق در شیراز چاپ شده است.

۶- صفیر العارفین: منظومه‌ای است عربی در حقیقت عشق و اهمیت آن، که آقای محمد خواجوی پیرامون این اثر گرانقدر گوید: «حضرت سید قدس سره یکصد و نود و یک بیت از آن را در ضمن اشاره هفتم از قصیده عشقیه ایراد فرموده‌اند و این کتاب راهنگام بیخودی و سکر در عشق حق و در حال جذب الهی انشاد نموده‌اند» (خراجری، ص ۲۷).

۷- رساله در معارف الهی: این رساله شامل ۱۲ تحمید در معارف الهی و توحید و نفی اشتراک لفظی و معنوی از حق، و مشحون از آیات و احادیث است. این اثر

شامل پانصد و هفتاد و دو بیت ارجوزه عربی است - نسخه خطی این کتاب به شماره ۱۲۷۸ کتابخانه ملی ملک و شماره ۴۸۸۹ مجلس شورای اسلامی ثبت است.

۸- منظومه صرفیه و نحویه علویه: که قسمت صرف آن یکهزار و چهارصد و بیست و سه بیت و قسمت مهموز و معتل آن را فرزندش سید علی به پایان رسانیده و این تکمله شامل یکصد و شصت و هشت بیت است، و بقیه آن مربوط به عوامل صدگانه نحو است که آن را در یک شب هنگام ورود به شهر قزوین برای بعضی از ارادتمندان خود به نظم در آورده است و سیصد و بیست بیت است که همانگونه که قبلاً بیان شد خداوند به نگارنده این سطور عنایت فرمود تا به ترجمه و شرح و تعلیق آن پردازد.

۹- رساله‌ای است عربی در بیان وحدت حقیقیه حق تعالی و نفی اشتراک لفظی و معنوی به مشرب عرفای الهی، که در کتاب «طباشیر الحکمه» راز شیرازی از صفحه ۱۱۲ به بعد نقل شده و در سال ۱۳۵۲ ش در شیراز چاپ شده است.

۱۰- قصیده ابداعیه (الذریعه، ج ۱۷، ص ۱۱۰؛ وج ۲۸، ص ۷۴): یکصد و هفتاد و دو بیت است که دوازده بیت آن در اول کتاب شرح «فصل الخطاب» چاپ و بقیه‌اش یعنی یکصد و شصت بیت دیگر به شماره ۴۸۸۹ کتابخانه مجلس و ۳۶۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران محفوظ است، این رساله در مباحث صدور فیض از باری تعالی و مراتب وجود دارد.

۱۱- رساله افاضه روحیه: (الذریعه، ج ۱۱، ص ۹۸؛ طبقات اعلام الشیعه، ج ۶، ص ۶۰۱): به نثر عربی در سه افاضه در حقیقت روح کلی و تعداد ارواح و مراتب نفس و قلب و عقل، و اطوار علمیه و عملیه و سبعه قلبیه (هفتگانه دل) به اجمال می‌باشد. این رساله در سال ۱۳۳۱ ق توسط مرحوم عماد الفقراء ترجمه و در تهران چاپ، و نام آن رارساله افاضه روحیه قدسیه گذاشته است.

- ۱۲- انوار الولاية: به نظم فارسی در منقبت رسول اکرم (ص) و حضرت امیر المؤمنین علی (ع)، و معرفت نفس و تحریض بر ترک دنیا، و ترغیب به فراگرفتن علوم الهیه و دوری از علوم رسمیه است. این کتاب شامل یکهزار و ششصد و هفتاد بیت است که جز چند بیتی از آن یافت نشده است (خواجه‌جوی، ص ۳۲).
- ۱۳- رساله منهج التحرير (الذریعه، ج ۲۳، ص ۱۸۴؛ طبقات اعلام الشیعه، ج ۶، ص ۶۰۱): به نظم فارسی و هم وزن مخزن الاسرار نظامی در توحید است. این مجموعه شامل ۲۵۸ بیت است. این رساله به اهتمام آقای محمد خواجه‌جوی در کتابخانه احمدی شیراز چاپ شده است.
- ۱۴- شرح و ترجمه منظوم دعای مبارک صباح: (الذریعه، ج ۸، ص ۲۵۵): سید قطب الدین دعای صباح را بر اساس نسخه مکتوب به خط حضرت امیر المؤمنین علی (ع) به نظم در آورده است؛ به این صورت که معنی هر جمله از دعا را در یک رباعی گنجانیده، دیباچه عربی بر آن دعا و شرحش نگاشته که در کتاب «انهار جاریه» چاپ شده است (خواجه‌جوی، ص ۳۳).
- این منظومه به اهتمام آقای محمود طاووسی استاد دانشگاه شیراز در مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز چاپ شده است. (نقل از مقاله مکتب عرفان شیراز اثر استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمد یوسف نیری، ص ۴۴).
- برای سید قطب الدین علاوه بر چهارده اثر ارزشمند مذکور، تألیفات دیگری نیز ذکر شده که ما فهرست وار و به اختصار ذیلاً" به آنها اشاره خواهیم نمود:
- ۱- ارجوزه در شرح حدیث حضرت علی علیه السلام (الذریعه، ج ۱، ص ۴۷۹؛ طبقات اعلام الشیعه، ج ۶، ص ۶۰۱): درباره فساد امت.
 - ۲- ارجوزه‌ای در اصول فقه (الذریعه، ج ۱، ص ۴۹۰ و ۴۷۹؛ طبقات اعلام الشیعه، ج ۶، ص ۶۰۱).
 - ۳- منظومه مختصر فارسی در اصول دین (الذریعه، ج ۲۳، ص ۸۰).
 - ۴- طب الممالک: رساله‌ای است در بیان علت فساد حکومت و تعریض به

دولت معاصر .

۵- مفرح القلوب (الذریعه، ج ۱، ص ۴۸۷؛ طبقات اعلام الشیعه، ج ۶، ص ۶۰۱): منظومه‌ای در عوامل صد گانه نحو .

۶- نظم اللثالی: قصیده‌ای در علم صرف با شواهد عرفانی .

۷- نور الهدایه: (طبقات اعلام الشیعه، ج ۶، ص ۶۰۰؛ مفید «داور» ص ۵۰۷؛ هدایت، ص ۵۶۵؛ شیرازی محمد معصوم، ج ۳، ص ۲۱۸؛ دیوان بیگی شیرازی، ج ۲، ص ۱۴۳۲) از این اثر چیزی جز بیان علامه تهرانی در دست نیست .

وفات و مدفن سید قطب الدین

سید قطب الدین بنا بر جمیع اقوال در سال ۱۱۷۳ هجری قمری دعوت حق را لبیک گفت و در «وادی السلام» نجف اشرف، به خاک سپرده شد . آنچه در این مقال به عرض خوانندگان گرامی رسانیدیم نگاهی اجمالی بر احوال و آثار عارف ربانی علامه سید قطب الدین محمد حسینی نیریزی است، البته بحث درباره آثار سید قطب الدین نیاز به فرصت بیشتری دارد که حقیر برای علاقه‌مندان به عرفان و شناخت احوال و آثار سید قطب الدین در رساله دکتری خود (بررسی احوال و آثار علامه سید قطب الدین محمد نیریزی و شرح قصیده نحویه وی موسوم به «القصیده العلویه النحویه») بابتی را تحت عنوان کتاب‌شناسی در زندگینامه سید قطب الدین گشوده تا به صورت منهجی برای عاشقان عرفان و سیر و سلوک الی الله قرار گیرد .

نتیجه:

این مقاله که در خصوص عارف و حکیم جلیل القدر جناب «سید قطب الدین محمد نیریزی» - اعلی الله مقامه - است بر سبیل اجمال تنظیم شده است. بنده

علما و عملا" در آن مقام نبوده و نیستم که توانسته باشم عزیزی این چنین را معرفی کرده باشم ولی توفیق آن را از ساحت اقدس خداوندی یافتیم که از اعظم علم و ادب و هنر و عرفان مطالبی در این خصوص گرد اوری کرده و به برادران و خواهران ایمانی خود، هدیه نمایم.

بی شک بهترین درس اخلاق و سلوک انسانی را می توان، با مطالعه زندگی مفاخر و بزرگان فرهنگ خود، گرفت و میراث ارزشمند آنان را از گوشه گوشه کتابخانه ها گرد آورده، تألیف نمود و در اختیار فرهنگ دوستان تشنه، قرار داد. متأسفانه در این راستا بذل توجه و کار بسیار کم بوده است و چه بسا بزرگانی که با داشتن بیش از پنجاه اثر، مهجور و متروک مانده اند و بدون معرفی آنان، امت اسلامی، از لحاظ بینش و منش فرهنگی، خود را، باور نخواهد یافت.

لذا از تمام کسانی که رایحه دل انگیز بهشت سعادت را، از این بهشتی صفتان استشمام کرده اند استدعا دارم که هیچ چیز از حطام دنیا، حتی حور و قصور را، با آن مقایسه نکنند و این بارقه را در قلوب خود حفظ نمایند تا باتوکل و توسل و تلاش، جامعه و هم، گستره وجودی خود را منور به انوار الهی این انسانهای خدایی نمایند. ان شاء...

منابع:

- ۱- ابن منظور الافریقی المصری، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.
- ۲- استخری، احسان اله علی، اصول تصوف، تهران، کانون معرفت، ۱۳۳۸ ش.
- ۳- پرویزی، شمس الدین، تذکره پرویزی (یک قسمت از تاریخ حیات و کرامات حضرت سید قطب الدین محمد شیرازی)، تبریز.
- ۴- خاوری، اسدالله، ذهبیه تصوف علمی - آثار ادبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران،

۱۳۶۲ ش.

۵- دیوان بیگی شیرازی، سیداحمد، حدیقه الشعراء، تصحیح و تکمیل و تحشیه عبدالحسین نوائی، تهران انتشارات زرین.

۶- سازگار، خلیل، تذکره سازگار، بدون نام انتشارات و تاریخ.

۷- شیرازی، محمد معصوم، طرائق الحقائق، تصحیح محمد جعفر محجوب، تهران، انتشارات بارانی، ۱۳۴۵

۸- الطهرانی، آغا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، قم، تهران، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷، ق / ۱۹۶۷ م.

۹- الطهرانی، آغا بزرگ، طبقات اعلام الشیعه، تحقیق علینقی منزوی تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش.

۱۰- عطار نیشابوری، فرید الدین، دیوان قصائد و غزلیات و ترجیعات، تصحیح و مقابله و مقدمه سعید نفیسی، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی، چاپ سوم، ۱۳۳۹ ش.

۱۱- مفید(داور)، تذکره مرآت الفصاحه، (شرح حال و نمونه اشعار شاعران فارس از قدیم ترین زمان تا قرن چهاردهم) با تصحیح و تکمیل و افزوده های محمود طاووسی، شیراز، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۷۱ ش.

۱۲- نیریزی، سید قطب الدین محمد، رساله روحیه و منهج التحریر، به اهتمام محمد خواجوی، شیراز، انتشارات کتابخانه احمدی.

۱۳- نیری، محمد یوسف، مقاله مکتب عرفان شیراز

۱۴- هدایت، رضا قلی خان، تذکره ریاض العارفین، به کوشش مهر علی کرکانی، انتشارات کتابفروشی محمودی، بدون تاریخ.